



نشریه فرهنگی-تربیتی
مدرسه علمیه معصومیه شیراز
ویژه نامه ماه مبارک رجب-۱۷ اسفند ۱۳۹۸

صاحب امتیاز:

مدرسه علمیه معصومیه شیراز

مدیر مسئول : کبری بیگی

سر دبیر : زهرا هاشمی آزاد

طراح و ویراستار : سیده آسیه بلادی

هیئت تحریریه:

سیده زینب موسوی نژاد، کبری بیگی، معصومه استقلال

راضیه سلطانی، سمانه نهاوندی، زهرا هاشمی آزاد

مریم معلمی، مریم پرونده، زینب اکبری

کلام رهبری



برکات ماه رجب منحصر به ولادت نیست، توصیه می کنم خودم و شما را که از برکات ماه رجب با تقویت پیوند ارتباط قلبی با خدای متعال استفاده کنیم. اگر احاد ما رابطه ی خودمان را با خدا تقویت کنیم، بسیاری از معضلات، مشکلات، نابسامانی ها، ناهنجاری ها به خودی خود مرتفع خواهد شد.
(۱۳۹۴/۲/۹)

آیت الله قرهی :

یکی از راه های مراقبه، همین صحبت با آقا جان در هر شب هست، عرض کردم که اگر هر شب توفیق پیدا کنی که با آقا جان حرف بزنی، به یک سال نشده، خودت تغییر حالاتی را در خود می بینی. عرض کردم که جوانی در تاریکی بعد از مراسم آمد، به من گفت: آقا! چرا می گویند: به یک سال نشده، به یک ماه نشده...! گفتم: خوشا به سعادتت، جوان این گونه است! آقا جان، خیلی غریب است، خدا گواه است اگر بدانیم آقا جان، چقدر دوست دارد که ما با ایشان حرف بزنیم، خودمان دائم به سراغ حرف زدن با ایشان می رویم. آقا جان، از همین حرف زدن ما، حتی همین که می گوئیم: «السلام علیک یا بقیة الله»، خوشش می آید. قربانت بروم آقا جان، آقای مظلوم، آقای تنها! من که ندیدم و متوجه نمی شوم. اما اولیاء خدا گفته اند: این قدر آقا غریب و تنهاست که تا گفتی: «السلام علیک یا بقیة الله»، بلافاصله آقا جواب می دهد: «السلام علیک یا حبیبی». آقا! یابن الحسن! قربات دل شکسته ات! آقا جان! ما را حفظ کن. شب ها با آقا حرف بزن، بگو: آقا! اگر نگاهت به من نباشد، بیچاره می شوم. آقا! شما عین الله الناظره هستید، یک نگاهی به من کنید. اگر نگاه عمیقی به من کنید، من هم عوض می شوم، من هم آدم می شوم. من هم بنده خدا می شوم. فقط یک نگاه نافذ شما نیاز است، آقا جان! عنایتی کنید.



مولود کعبه

وجود امیر المؤمنین (علیه السلام) از جهات متعدد و در شرایط گوناگون، برای همه نسل های بشر، یک درس جاودانه و فراموش نشدنی است؛ چه در عمل فردی و شخصی خود، چه در محراب عبادتش، چه در مناجاتش، چه در زهدش، چه در محو و غرق شدنش در یاد خدا، و چه در مبارزه اش با نفس و شیطان و انگیزه های نفسانی و مادی. این جملات از زبان امیرالمؤمنین، در فضای آفرینش و فضای زندگی انسان، همچنان پُرنشین است: «یا دنیا... غری غیری»: ای جلوه های دنیا، ای زیبایی های پُر جاذبه، ای هوس هایی که قوی ترین انسان ها را به دام خود می کشید، بروید کس دیگری غیر علی را فریب بدهید؛ علی بزرگ تر و بالاتر و قوی تر از این حرف هاست. بنابراین، یکایک انسان های بیدار، در لحظه لحظه زندگی امیرالمؤمنین و در ارتباطش با خدا و معنویت، درس های فراموش نشدنی پیدا می کنند..

بیان فضایل امیرالمؤمنین

ساخت: معاویه گفت در حق او که علی (ع) اگر مالک شود خانه ای از طلا و خانه ای از کاه، طلا را بیشتر تصدق می دهد تا هیچ از آن نماند و چون آن جناب از دنیا رفت هیچ چیز باقی گذاشت؛ مگر دراهمی که می خواست خادمی برای اهل خود بخرد.

حلم و عفو حضرت علی (ع): زمانی که بر دشمنان خود مانند مروان ابن الحکم و عبدالله بن زبیر و سعید بن العاص در جنگ جمل مسلط شد و اسیر آن حضرت شدند، آن حضرت همه را رها کرد و

متعرض ایشان نشد و تلافی نمود و چون بر صاحب هودج عایشه پیروز شد به نهایت شفقت و لطف، مراعات او نمود.

خبر دادن حضرت از امور غیبی: خبر داد که ابن ملجم فرق مرا با تیغ می شکافد و ریش مرا از خون سرم خضاب می کند و خبر داد از شهادت امام حسن (ع) به زهر و بسیار از شهادت فرزندش حسین (ع) خبر می داد و خبر داد براء بن عازب را از درک کردن او زمان شهادت حسین (ع) و یاری نکردن او.

شجاعت شگفت انگیز حضرت: در خیبر راه، به دست معجزه نمای خویش از جای کند و جماعتی نتوانستند آن را حرکت دهند و سنگی عظیم را از سر چاهی برگرفت که لشکر از حرکتش عاجز بودند. شجاعی که هرگز نگریخته و از هیچ لشکری ترسیده.

کیفیت مقتل آن حضرت: گروهی از خوارج که از آن جمله عبدالرحمن بن ملجم بود، بعد از واقعه نهروان در مکه جمع شدند و هر روز اجتماع می کردند و بر کشتگان نهروان می گریستند. یک روز گفتند: علی و معاویه کار این امت را پریشان ساختند اگر هر دو تن را می کشتیم این امت را از زحمت ایشان آسوده می ساختیم. سفارش حضرت علی (ع) به ام کلثوم: دخترم! هر که خوراک و پوشاک او در دنیا نیکوتر است ایستادن او در قیامت بیشتر است، ای دخترم! در حلال دنیا حساب است و در حرام آن عذاب!

« برگرفته از کتاب منتهی الامال شیخ عباس قمی و بیانات مقام معظم رهبری درباره زندگی سیاسی- مبارزاتی ائمه معصومین علیهم السلام در کتاب انسان ۲۵۰ ساله. »

مریم معلمی



آن حضرت در روز جمعه سیزده ماه رجب بعد از سی سال از عام الفیل در میان کعبه متولد شده است. کیفیت ولادت آن جناب: روزی فاطمه بنت اسد به مسجد درآمد درحالی که نه ماهه باردار بود در برابر خانه کعبه ایستاد و گفت: پروردگارا، من ایمان آورده ام به تو و هر رسولی که فرستاده ای و به هر کتابی که نازل گردانیده ای... پس از تو سؤال می کنم به حق این خانه... و به حق این فرزندی که در شکم من است و با من سخن می گوید... و یقین دارم که او یکی از آیات جلال و عظمت تو است که آسان کنی بر من ولادت مرا!!! فاطمه بنت اسد وارد خانه کعبه شد، تا روز چهارم، پس همان موضع از دیوار خانه کعبه بار دیگر شکافته شد، فاطمه بیرون آمد و فرزند خود اسدا... الغالب علی بن ابیطالب را در دست خویش داشت و می گفت :

ای گروه مردم بدرستی که حق تعالی برگزید مرا از میان خلق خود... زیرا که من فرزندی آورده ام در میان خانه برگزیده او و سه روز در آن خانه محترم ماندم... و چون خواستم که بیرون آیم، هاتقی از غیب مرا ندا کرد که ای فاطمه! این فرزند بزرگوار را علی نام گذار، بدرستی که منم خداوند علی اعلی! و او را آفریدم از قدرت و عزت و جلال خود و بهره کامل از عدالت خویش به او بخشیده ام و نام او را از نام مقدس خود اشتقاق نمودهام... و او را بر علوم پنهان خود مطلع کرده ام... و اوست امام و پیشوا بعد از حبیب من، برگزیده از جمیع خلق من محمد(ص) که رسول من است و او وصی او خواهد بود.

خوشا به حال کسی که او را دوست دارد و یاری کند او را...

مکتب سلیمانی

در مقایسه نگاه امیرالمؤمنین علی (ع) با دیدگاه های حاج قاسم می توان به این نکته پی برد که حاج قاسم از معدود شیعیانی بودند که فراتر از سخن به وادی عمل پا نهاده و تراز عملگرایی نسبت به علم را در جامعه شیعیان، بالا بردند. علم و عمل، دو فاکتور جداناپذیر هستند که حاج قاسم با عدم نشستن در پشت میز و انجام فعالیت های بسیاری در دفاع از هموطنانش با حفظ محوریت ولایت، آن را به معنای واقعی به عالمیان نشان داد و همچون مولایش علی (ع) پیروز واقعی میدان گردید... حاج قاسم، تراز مدیریتی را در بین مدیران کشور ما بالا برد و درس های بزرگی نه به دشمنان اسلام بلکه به مدیران همین آب و خاک داد؛ مبنی بر اینکه به دو صد گفته



چون نیم کردار نیست... رهبر انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای (حفظه الله) در توصیف خصوصیات سپهبد شهید قاسم سلیمانی می فرماید: اهل حزب و جناح و مانند اینها نبود لکن به شدت انقلابی بود انقلاب و انقلابی گری خط قرمز و قطعی او بود این را بعضی ها سعی نکنند کمرنگ کنند این واقعیت او است ذوب در انقلاب بود انقلابی گری خط قرمز او بود عبور در این عوالم، تقسیم در احزاب گوناگون، اسم های مختلف، جناح های مختلف و مانند اینها نبود؛ اما در عالم انقلابی گری چرا به شدت پایبند به انقلاب و پایبند به خط مبارک و نورانی امام راحل رضوان الله علیه بود (۱۳۹۸/۱۰/۲۸)

معصومه استقلال

با همکاری مؤگان حاجی زمانی

توصیه‌های رهبر انقلاب درباره استغفار از فرصت ماه رجب

ماه استغفار



ماه رجب فرصت خوبی است؛ ماه دعاست، ماه توسل است، ماه توجه است، ماه استغفار است. دائم هم باید استغفار کنیم. هیچ کس هم خیال نکند که من از استغفار مستغنی‌ام. پیغمبر خدا میفرماید که: «اِنَّهٔ لیغان علی قلبی و اِنِّی لَاسْتَغْفِرُ اللّٰهَ فِی کُلِّ یَوْمٍ سَبْعِینَ مَرَّةً».

بلاشک پیغمبر هم حداقل روزی هفتاد مرتبه استغفار میکرد. استغفار برای همه است؛ بخصوص ماها که در این تحرکات مادی، در این دنیای مادی غرقیم و آلوده‌ایم. استغفار بخشی از این آلودگی را پاکیزه میکند و از بین میبرد. ماه استغفار است؛ ان شاءالله فرصت را مغتنم بشماریم.

پاک شدن آلودگی‌ها

حلول این ماه را به شما تبریک عرض میکنیم. ان شاءالله که بر ما و شما این ماه مبارک باشد و از این ماه وقتی وارد ماه شعبان میشویم، بخشی از کار را به توفیق الهی انجام داده باشیم.

ماه مبارک

@agha_tanha_nist

ای علی (ع):

اگر بگویم تو از مسیح بالاتری، دینم نمی پذیرد!

و اگر بگویم او از تو بالاتر است وجدانم

نمی پذیرد...

نمی گویم تو خدا هستی...

پس خودت به ما بگو؛

ای علی (ع)... تو کیستی؟!

جُرج جُرداق دانشمند مسیحی



وصیت نامه شهید مدافع حرم حسین معز غلامی

بسم رب الشهداء و الصدیقین

با یاری خدا و توسل به اهل بیت (ع) این وصیت نامه را مینویسم. انشالله که بعد از مرگم باز و خوانده شود، سلام بر آنهایی که رفتند و مثل ارباب بی کفن جان دادند. من خاک پای شهدا هستم. شهدایی که برای دفاع از اسلام رفتند و جان عزیز خود را بر طبق اخلاص نهادند. خدا کند به مدد شهدا و دعای دوستانم

مرگ من نیز شهادت قرار گیرد که بهترین مرگ هاست.

بعد از مرگم به پدرم توصیه میکنم که مانند اربابم حسین ع صبر کند و بیتابی نکند و خوشحال باشد که در راه خدا جان دادم و همینطور مادرم به مدد اسوه ی صبر و استقامت در کربلاحضرت زینب (س) صبور باشد چون با گریه هایش مرا شرمنده می کند. هر وقت بر سر قبرم آمدید سعی کنید یک روزه از حضرت علی اکبر (ع) و یا حضرت زهرا (س)بخوانید و مرا به فیض بالای گریه برسانید.هر وقت قصد داشتید خیری به بنده حقیر برسانید آنرا به هیئت های مذهبی بعنوان کمک بدهید.

از خواهران و خانواده آنها طلب حلالیت میکنم اگر نتوانستم نقش برادری خوب را ایفا کنم.در کفنم یک سربند یا حسین (ع) و تربت کربلاقرار بدهید.تا میتوانید برای ظهور حضرت حجت (عج) دعا کنید که بهترین دعاهاست.

هم به خانواده ام و هم دوستانم می گویم که در بدترین شرایط اجتماعی ،اقتصادی و پیرو ولی فقیه باشید و هیچگاه این سید مظلوم حضرت آقا سید علی آقا را تنها نگذارید.

امر به معروف و نهی از منکر را فراموش نکنید و نگذارید خون شهدا پایمال شود.

این شعر بر روی سنگ قبرم حکاکی شود ان شاءالله

مرد غسل به جسم و سر من خورده مگیر

چند سالیست که از داغ حسین لطمه زخم

سر قبرم چو بخوانند دمی روزه شام

سر خود با لبه سنگ لحد میشکنم

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ وَ ثَبِّتْ لِي قَدَمَ صَدُقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَ أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مناجات

وَ كَانَ مِنْ دَعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهِمَّةٌ أَوْ نَزَلَتْ بِهِ مُلِمَّةٌ وَ عِنْدَ الْكَرْبِ

(۱) يَا مَنْ تَحَلَّى بِهِ عَقْدُ الْمَكَارِهِ، وَ يَا مَنْ يَقْنَأُ بِهِ حَسْدُ الشَّدَائِدِ. وَ يَا مَنْ يَلْتَمَسُ مِنْهُ الْمَخْرَجَ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ. (۲) ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ، وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ. (۳) فَهِيَ بِمَشِيَّتِكَ دُونَ قَوْلِكَ مُؤْتِمِرَةٌ، وَ بِإِرَادَتِكَ دُونَ نَهْيِكَ مُنْزَجِرَةٌ. (۴) أَنْتَ الْمَدْعُوُّ لِلْمُهِمَّاتِ، وَأَنْتَ الْمَفْرَعُ فِي الْمَلَمَّاتِ، لَا يَنْدَفِعُ مِنْهَا إِلَّا مَا دَفَعْتَ، وَ لَا يَنْكُشِفُ مِنْهَا إِلَّا مَا كَشَفْتَ (۵) وَ قَدْ نَزَلَ بِي يَا رَبِّ مَا قَدْ تَكَادَنِي ثِقَلُهُ، وَ أَلَمَ بِي مَا قَدْ بَهَظَنِي حَمْلُهُ. (۶) وَ بِقُدْرَتِكَ أَوْرَدْتَهُ عَلَيَّ وَ بِسُلْطَانِكَ وَجَّهْتَهُ إِلَيَّ. (۷) فَلَا مُصْدِرَ لِمَا أَوْرَدْتَ، وَ لَا صَارِفَ لِمَا وَجَّهْتَ، وَ لَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ، وَ لَا مُبَسِّرَ لِمَا عَسَّرْتَ، وَ لَا نَاصِرَ لِمَنْ خَذَلْتَ. (۸) فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْتَحْ لِي يَا رَبِّ بَابَ الْفَرَجِ بِطَوْلِكَ، وَ اكْسِرْ عَنِّي سُلْطَانَ الْهَمِّ بِحَوْلِكَ، وَ أَنْلِنِي حُسْنَ النَّظَرِ فِيمَا شَكَوْتُ، وَ أَذِقْنِي خِلَاوَةَ الصَّنْعِ فِيمَا سَأَلْتُ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ فَرَجاً هَنِيئاً، وَ اجْعَلْ لِي مِنْ عِنْدِكَ مَخْرَجاً وَجِياً. (۹) وَ لَا تَشْغَلْنِي بِالْأَهْتِمَامِ عَنْ تَعَاهِدِ فَرُوضِكَ، وَ اسْتِعْمَالِ سُنَّتِكَ. (۱۰) فَقَدْ ضَيَّقْتُ لِمَا نَزَلَ بِي يَا رَبِّ دَرْعاً، وَ أَمْتَلَأْتُ بِحَمَلٍ مَا حَدَّثَ عَلَيَّ هَمّاً، وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى كَشْفِ مَا مُنِيتُ بِهِ، وَ دَفْعِ مَا وَقَعْتُ فِيهِ، فَافْعَلْ بِي ذَلِكَ وَ إِنِّ لَمُ أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، يَا ذَا الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

در بلا من دیده ام لذات او

مات اویم، مات اویم، مات او

دست هایت را که در دستش گرفت آرام شد تازه انگاری دلش راضی به این اسلام شد دست هایت را گرفت و رو به مردم کرد و گفت: مؤمنین! (یک لحظه اینجا یک تبسم کرد و گفت:) خوب می دانید در دستانم اینک دست کیست؟ نام او عشق است، آری می شناسیدش: علی ست من اگر بر جنگجویان عرب غالب شدم با مددهای علی ابن ابی طالب شدم در حنین و خیبر و بدر و احد گفتم: علی تا پیام آمد بخوان «یا مصطفی!» گفتم: علی هر چه می گویم علی، انگار الهی ترم مرغ «او ادنی» بیم وقتی که با او می پریم مستجار کعبه را دیدم، اگر مُحَرَّم شدم با «یدالله» آمدم تا «فوقِ ایدیهیم» شدم تا که ساقی اوست سرمستند «اصحاب الیمین» وجه باقی اوست، «اِنِّی لَا أَحِبُّ الْاَقِلِّینَ» دست او در دست من، یا دست من در دست اوست ساقی پیغمبران شد یا دل من مست اوست یکصد و بیست و چهار آئینه با هر یک هزار- ساغر آوردند و او پر کرد با چشمی خمار آخرین پیغمبر دلداده ام در کیش او فکر می کردم که من عاشقترینم پیش او دختری دارم دلش دریای آرامش، ولی شد سراپا شور و توفان تا شنید اسم علی کوثری که ناز او را قلب جنت می کشید ناگهان پروانه شد دور سر حیدر پرید روزگارش شد علی، دار و ندارش شد علی از ازل در پرده بود آئینه دارش شد علی رحمت للعالمینم گرد من دیو و پری می پرند و من ندارم چاره جز پیغمبری بعد از این سنگ محک دیگر ترازوی علی است ریسمان رستگاری تار گیسوی علی است من نبی ام در کنارم یک «نبا» دارم «عظیم» طالبان «اهدنا» اینهم «صراط المستقیم» چهره اش مرآت «یاسین»، شانه هایش «مُحکَمات» خلوتش «وَالطُّور»، شور مرکبش «وَالْعَادِيَّات» هر خطِ قرآن من، توصیفی از سیمای اوست هر که من مولای اویم، این علی مولای اوست

زینب اکبری (شعر از مجید لشکری)



معرفی کتاب

کتاب ناقوس ها به صدا در می آیند، حکایتی است بسیار جذاب و پرفراز و نشیب و از یک حقیقت؛ حقیقتی که برای رسیدن به آن حتی باید از عزیزترین ها گذشت. نسخه ی خطی کتابی ارزشمند که حقایق تاریخی مخدوش شده را روشن می کند، طی ماجراهایی سخت و دشوار از طرف محبوبی به دست فردی میرسد و آن فرد یک کشیش مسیحی است به نام میخائیل ایوانف. این کتاب کشیش را با حقیقت آشنا می کند؛ حقیقتی که برای رسیدن به آن حتی باید از عزیزترین ها گذشت؛ پس از آنکه نسخه ی خطی کتاب قدیمی به دست کشیش میرسد، خطرهای بسیاری او را تهدید می کند اما کشیش مسیحی نه تنها ناامید نمی شود، بلکه برای رسیدن به حقیقت حتی از جان و زندگی خود می گذرد و سخت ترین خطرها را به جان می خرد و آن حقیقت، شخصیت والای نور حق، یعنی امام علی (ع) است.

معرفت و عشق کشیش به امام علی (ع) تا حدی می رسد که در کلیسا، سخنان امام علی (ع) را بازگو می کند و ... مطالعه ی «کتاب ناقوس ها به صدا در می آیند» شما را بیش از پیش با شخصیت مولا علی (علیه السلام) آشنا می کند و هر خواننده ای را مجذوب خود می کند.

مریم پرونده